

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دمیتري راستوف (DMITRY ROSTOV)

برگردان: ا.م. شیری

۱۱ جون ۲۰۲۴

غول‌های اینترنتی به عنوان ابزار نخبگان لیبرال



نظم دیجیتال جدید با قاطعیت به زندگی روزمره ما حمله می‌کند

غول‌های اینترنتی با تبدیل شدن به ابزار نخبگان لیبرال، عملاً با دولت سایه و سازمان‌های امنیتی ادغام می‌شوند. به طوری که در طول ۶ سال گذشته، بیش از ۲۵۰ نفر از کارمندان عالی‌رتبه سازمان سیا، آژانس امنیت ملی، اداره تحقیقات فدرال و پنتاگون برای کار فقط به گوگل رفته‌اند. غول‌های فناوری اطلاعات مانند گوگل توانایی منحصر به فردی برای تأثیرگذاری بر افکار میلیاردها نفر در سراسر کره زمین دارند. این کار را چنان ماهرانه انجام می‌دهند که اکثر ما حتی متوجه نمی‌شویم که نظرات خودمان به کجا ختم می‌شود و آنچه الگوریتم و تنظیم‌کنندگان آن از طریق پست‌های دوستان و جوامع مورد علاقه ما به ما می‌گویند، از کجا شروع می‌شود.

غول اینترنتی گوگل و کارمندان جدیدش استادان ماهر این عرصه هستند. آن‌ها به طور مداوم از یک مدل کسب و کار مبتنی بر نظارت استفاده می‌کنند. ما تصور می‌کنیم که از خدمات آن‌ها به صورت رایگان استفاده می‌کنیم. اما در واقع، گوگل و کارمندان با جمع‌آوری مقادیر زیادی از داده‌های شخصی ما و فروش آن‌ها، سالانه بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد کسب می‌کنند. این مدل بر اساس فریب است. موتور جست و جوی گوگل فقط یک روش هوشمندانه برای جمع‌آوری اطلاعات شخصی ما و ابزار جاسوسی از ما است.

اخيراً به لطف افشای داده‌های گوگل، اطلاعات جالب دیگری فاش شده است. به نظر می‌رسد راهنمایی به نام چارچوب «twiddler» وجود دارد که سیستمی را برای رتبه‌بندی مجدد نتایج جست و جو توصیف می‌کند. گوگل توانایی فنی دستکاری نتایج جست و جو را توسعه داده است. این قدرت واقعی غول‌های فناوری اطلاعات است!

امروزه، یک روند خطرناک با وضوح هر چه بیشتر در حال ظهور است: شمار عظیمی از مردم امکان پیشرفت فناوری و ماشین‌های «هوشمندتر» را نه به عنوان یک ابزار دیجیتالی [رقومی] برای سوق دادن جامعه به سمت انحطاط، بلکه به مثابه راه حل همه مشکلات تصور می‌کنند.

مطالعاتی مانند نمونه زیر نشان می‌دهد که به لطف ابزارهای متعدد (کامپیوتر، تلفون، همراه با سرویس‌های زنجیره‌ای، تماس‌ها و غیره)، یک فرد به طور متوسط روزانه حدود ۷ ساعت در فضای مجازی سپری می‌کند. این مدت عظیم زمان و حجم عظیم محتوا از اینترنت عبور می‌کند. به ویژه این که، بیشتر آن نه توسط خود کاربر، بلکه توسط الگوریتم‌ها و هوش مصنوعی انتخاب می‌شود.

در واقع، بسیاری از انسان‌ها در حال حاضر، در واقعیت مجازی متعلق به کس دیگر به سر می‌برند. به گونه‌ای که در این واقعیت مجازی، اتاق کوچکی را از صاحب آن، از غول‌های اینترنتی مانند گوگل که در واقع با سازمان‌های اطلاعاتی و دولتی ادغام شده و نقش مالک را بازی می‌کنند، اجاره می‌کنند. امروزه وظیفه اصلی این ساختارها متقاعد کردن مردم به این است، که خود غول‌های فناوری اطلاعات که مردم را تحت کنترل خود قرار می‌دهند، فقط یک ابزار، یک نوع ماشین حساب پیشرفته برای حل مسائل مطروحه از سوی خود افراد است.

در واقعیت امر، همه چیز به این سادگی نیست. از این گذشته، زمان و کارهایی که با کمک اینترنت و ابزارهای فناوری اطلاعات حل می‌شوند، به طور رورافزونی تحت تأثیر هوش مصنوعی قرار می‌گیرند، که اکنون به بخش جدائی‌ناپذیر زندگی هر کاربر، از جمله کسانی که این سطور را می‌خوانند، تبدیل شده است. و سهم شیر این زمان (و وظایف) توسط الگوریتم‌های نمایش که ممکن است برای انسان غیرقابل درک باشد، تعیین می‌شود. یا فقط در کلی‌ترین خصوصیات قابل درک هستند. به این معنا که شخص دیگری تعیین می‌کند که شما تقریباً به چه میزان در کار یا در خواب غرق می‌شوید. اما این شخص ممکن است اصلاً یک فرد نباشد.

هوش مصنوعی، اگرچه توسط انسان اختراع شده، اما دارای چنان ویژگی‌های متعالی است، که حتی سازندگان آن به پیش‌بینی دقیق واکنش‌ها و اعمال آن قادر نیستند. علاوه بر این، «در دسترس بودن» آن بسیار فریبنده است. همانطور که می‌دانید، پنیر رایگان فقط در تله موش پیدا می‌شود. غول‌های اینترنتی در حال تبدیل شدن به ابزار نخبگان لیبرال با اهداف بسیار خاص کنترل کامل توده‌ها هستند که آشکارا از پیش فرموله شده و مهلت‌های اجرائی خاص خود را دارند - تا سال ۲۰۳۰. به عنوان مثال، مجمع جهانی اقتصادی یک «کارت هویت دیجیتال» ویژه - شناسه رقومی درست کرده است که باید حاوی اطلاعات زیر در مورد هر شخص باشد:

- خدمات مالی-ارزهای دیجیتال بانک‌های مرکزی: اطلاعات کامل در مورد هزینه‌ها و نقل و انتقالات تجاری؛

- سفر: کنترل تمام حرکات؛

- غذا: مطابقت رژیم غذایی با ستندردهای مجمع جهانی اقتصادی؛

- پاسپورت واکسن: با کدام واکسن، چه وقت و آیا یک فرد واکسینه شده است؛

- صفر خالص: سهمیه انتشار دی‌اکسید کربن؛

ارتباطات از راه دور: پایگاه داده دستگاه‌ها، ترافیک اینترنت و غیره.

به سخن دیگر، هر لحظه فرد، تا کنترل هوشیاری و رفتار او باید زیر نظر باشد. اگر این بردگی دیجیتال نیست، پس چیست؟

نخبگان گلوبالیست‌های لیبرال نیز برنامه‌های دراز مدت در ارتباط با امکان تأثیرگذاری بر رفتار مردم و کنترل کامل آن‌ها با استفاده از هوش مصنوعی دارند. مثلاً، مواردی که پیشرفت‌ها در زمینه ویرایش ژن و یادگیری ماشینی را تلفیق می‌کنند (این نامی است که به دسته‌ای از روش‌های هوش مصنوعی داده شده که ویژگی بارز آن‌ها نه حل مستقیم یک مسأله، بلکه یادگیری از طریق استفاده از راه‌های حل برای بسیاری از مشکلات مشابه است). طبق سناریوی که در طول تمرین توسط «RAND Europe» سازماندهی شده بود، تا سال ۲۰۴۵، تحقیق و توسعه در ویرایش ژن و یادگیری ماشینی می‌تواند آغازگر دوران پسانسان‌گرایی باشد (سازماندهی گلوبالیستی به بهبود سیاست و تصمیم‌گیری از طریق تحقیق و تحلیل کمک می‌کند).

ما در مورد موضوع یک گزارش ۱۱۲ صفحه‌ای تحت عنوان «یادگیری ماشینی و ویرایش ژن در رأس تکامل اجتماعی»، حاوی نتایج تمرین‌های عملی صحبت می‌کنیم. در این گزارش انواع سیاست‌هایی که می‌توانند در محدوده ۲۰ سال اجراء شوند، مورد بررسی قرار گرفته است. به طوری که اگر نوآوری در این زمینه‌ها خارج از کنترل باقی بماند، می‌تواند سر از بازار سیاه درآورد یا کفاف تقاضا را ندهد. این گزارش همچنین به [بررسی این موضوع](#) می‌پردازد که چگونه تلفیق یادگیری ماشینی و ویرایش ژن «می‌تواند به پیشرفت‌هایی در زمینه بهبودی قابل‌توجه زندگی مردم» و بهبودی مراقبت‌های بهداشتی و پیشرفت در کشاورزی منجر شود.

در حال حاضر، چنین روش‌ها و پروژه‌های «پسا-انسان‌گرایانه» برای «دیجیتالی‌سازی» همه و هر چیز روی جمعیت برخی از کشورهای به اصطلاح جهان سوم امتحان و آزمایش می‌شوند. به عنوان مثال، در کنیا، پروژه هویت دیجیتال معروف به «مایشا نامبا»، تحت حمایت بنیاد گیتس نشان می‌دهد که چگونه غول‌های اینترنتی اکنون به ابزار نخبگان لیبرال تبدیل شده‌اند. گروه به اصطلاح «گروه بشردوستانه جهانی» که توسط بنیانگذار مایکروسافت تشکیل یافته، به ارتباط دولت کنیا با کارشناسان فنی مرتبط و شرکای کلیدی در بخش فناوری اطلاعات کمک خواهد کرد (در این باره مارک سوزمن، مدیر عامل بنیاد گیتس، در مصاحبه با «[Business Daily Africa](#)» گفت).

به گفته سازندگان پروژه «مایشا نامبا»، این پروژه قرار است به موضوعات مختلفی مانند شناسایی و احراز هویت شهروندان، حفاظت از اسناد ثبت اولیه مانند شناسنامه و کارت‌های هویت ملی و بهبودی مدیریت برنامه‌های اجتماعی و عملیات دولتی بپردازد. شناسه شخصی برای ثبت نام در خدمات دولتی از جمله آموزش، بیمه درمانی، مالیات و تأمین اجتماعی نیز استفاده خواهد شد.

جون گذشته، [فارین یالیسی](#)، یکی از نشریات برجسته جهانی در امریکا در این باره نوشت که چه کسی در پشت «نظم دیجیتال جهانی» که به این طریق آزمایش و شکل می‌گیرد، قرار دارد. به نوشته این نشریه، ویژگی‌های کنونی نظم جهانی این است که در پی شکل‌گیری یک «جهان دوقطبی» جدید، بین امریکا و چین تقسیم نخواهد شد، بلکه یک چیز کاملاً متفاوت در انتظار بشریت است:

«... نظم سومی وجود دارد که به سرعت در حال ظهور است و تأثیر بیشتری نسبت به سایرین خواهد داشت: نظم دیجیتالی. در اینجا، خلاف هر نظم ژئوپلیتیک دیگر گذشته و حال، نهادهای مسلطی که قوانین را تعیین می‌کنند و قدرت را در دست دارند، دولت‌ها نیستند، بلکه شرکت‌های فناوری مانند گوگل، مایکروسافت، متا (ممنوعه در روسیه) و دیگر غول‌های اینترنتی هستند...»

شرکت‌های فناوری هویت ما را از قبل تعریف می‌کنند. ما قبلاً در این باره فکر می‌کردیم که رفتار انسان اساساً نتیجه طبیعت است یا تربیت. اکنون دیگر نه. امروز، پرورش و الگوریتم همان طبیعت است. نظم دیجیتال اکنون دارد به یک عامل حیاتی در تعیین چگونگی زندگی، باورها، خواسته‌هایمان و برای به دست آوردن آن‌ها برای انجام چه کاری حاضریم، تبدیل می‌شود.

این میزان حیرت‌انگیز قدرتی است که شرکت‌های فناوری به دست آورده‌اند و به خودی خود به بازیگران ژئوپلیتیک تبدیل شده‌اند. این نهادهای تجاری در حال حاضر جوانبی از جامعه، اقتصاد و امنیت ملی را که مدت‌ها در حوزه انحصاری دولت بوده‌اند، کنترل می‌کنند. تصمیمات خصوصی آن‌ها مستقیماً بر معیشت، تعاملات و حتی طرز فکر میلیاردها نفر در سراسر جهان تأثیر می‌گذارد. آن‌ها همچنین اغلب زیست‌بوم جهانی را شکل می‌دهند که خود دولت‌ها در آن فعالیت می‌کنند...

خیلی دیستوپایی [مدینه فاسده] نیست دوستان؟ اصلاً. زمان‌هایی که خانواده‌های بزرگی مانند روچیلدها و واربورگ‌ها فرآیندهای اقتصادی و سیاسی جهان را کنترل می‌کردند، در حال سپری شدن است. ساختارهای سوپراکتیو با سرمایه «پراکنده» و طیف گسترده‌ای از ذینفعان اعم از دولت و شرکت‌ها در حال رشد هستند و گاهی اوقات خط تعادل تار می‌شود: معلوم نیست چه کسی چه کسی را «می‌پیچاند». دنیای دیجیتال بشدت بین سطوح مختلف تأثیر، توزیع شده و به اندازه حالت کلاسیک دوران مدرن متمرکز نیست. به طور کلی، «دنیای جدید روز به روز شگفت‌انگیزتر می‌شود».

نقل از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۲۱ خرداد- جوزا ۱۴۰۳